

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۲ می ۲۰۲۰

با دسیسه سرکوب بورژوازی مبارزه کنیم و راهکارهای مناسب را برگزینیم

جای تعجب نیست که دولتمردان ممالک امپریالیستی و سرمایه‌داری اهمال‌کاری خود در مبارزه با شیوع بیماری کرونا را به گردن روش مبارزه چینی‌ها با این ویروس و قیاس آن با روش خود بگذارند و خود را پشت سرکوبگری و استبداد در چین و دموکراسی در اروپا و یا امریکا و نظایر آنها پنهان کنند. به نظر این اندیشمندان اروپائی، چین از آنجهت با موفقیت عمل کرده است، زیرا از شیوه تهدید، ارباب، زندانی کردن میلیون‌ها مردم و روش حکومت نظامی و سربازخانه‌ای استفاده نموده است، ولی در ممالک «دموکرات» اروپا «آزادی»، «حقوق بشر»، «دموکراسی»، «مشورت و تبادل نظر» در خط نخست مبارزه قرار داشته و طبیعتاً داشتن «آزادی» بهائی دارد که گویا این ممالک باید بپردازند و آن بها تأخیر در تصمیمات و هدر رفتن جان انسان‌ها و به ویژه جان فرودستان جامعه است.

این که در چین حکومت سرمایه‌داری بی‌رحمی بر سر کار است که به بدترین شیوه‌های ممکن از کارگران و زحمتکشان چینی بهره‌کشی می‌کند، به جز برای رویزیونیست‌ها، که خواهان درک حقایق نیستند، بر کسی پوشیده نیست. این که در چین حکومت متمرکز سرمایه‌داری با نظام تک حزبی بر سر کار است و از روش‌های دیجیتال برای کنترل مردم سال‌هاست استفاده می‌نمایند نیز بر کسی پوشیده نیست و این که در چین شکاف طبقاتی بیداد می‌کند، یک میلیون چینی میلیارد در مقابل بیش از یک میلیارد افراد عادی زحمتکش قرار دارند، باز هم برای آنها که می‌خواهند بفهمند، امر تازه‌ای نیست؛ ولی آنچه تازه جلوه داده می‌شود، فخر فروشی بورژوازی امپریالیستی غرب است که گویا لکه ننگ پیگرد «ادوارد سنودن» و پرونده‌سازی جعلی برای «جولیان آسانژ» در کشور «دموکرات» سویدن و انگلستان، همدستی با داعش برای سرنگونی دولت قانونی «بشار اسد»، نقض حق حاکمیت دولت‌ها و ملل از جمله ایران، عراق، افغانستان، لیبیا، ونزوئلا و یا دیکتاتوری آشکار آقای «اوربان» در هنگری و یا محو قوه قضائیه در پولند، استقرار حکومت قوادان و قاچاقچی‌ها در «کوزوو» در دستور کارش نبوده و نیست.

ابتکار چهارمخوانی توسط دوربین‌های پولیس به چینی‌ها بر نمی‌گردد به بریتانیای کبیر برمی‌گردد که نخستین بار در اروپا آن را به اجراء گذاردند. کلیه ممالک پیشرفته سرمایه‌داری غرب از این شیوه کنترل پولیسی استفاده می‌کنند و روزانه در پی تکمیل آن هستند. تکیه آنها به نمونه سرکوب چینی و کارآمدی آن در مبارزه با «ویروس کرونا» برای آنست که تنها از این نمونه و جنبه‌های پولیسی آن سرمشق بگیرند، وگرنه چرا بیان نمی‌کنند نظام درمانی و بهداشتی چین گرچه طبقاتی، همراه با پرداخت پول و بیمه‌های متفاوت درمانی می‌باشد، ولی هنوز مبتنی بر سیاست نئولیبرالی

ناب نیست و هنوز بخش‌هایی از خدمات دولتی، که البته در مجموع بخش ناچیزی را تشکیل می‌دهند، موجود است. چرا این جنبه‌ها، یعنی تقویت بخش دولتی درمان را در ممالک خود اجراء نمی‌کنند و دست انحصارات دارویی - بهداشتی را برای تجارت با جان مردم باز گذارده‌اند. سلامت عمومی به یک کالای سودآور برای انحصارات بدل شده است. بروز «ویروس کرونا» فرصت طلایی به دست امپریالیست‌ها داده است، تا در این دوران بحرانی، که کار بازارها و بورس‌ها خراب شده و ورشکستگی نظام سرمایه‌داری را نه تنها از نظر تاریخی، بلکه به صورت واقعیت روز تهدید می‌کند، در پی آن باشند که پیچ و مهره‌های سرکوب و کنترل زحمتکشان، فرودستان و پابرهنگان را سفت‌تر نمایند، حقوق دموکراتیک آنها را پایمال کنند و حتی دست‌آوردهای گذشته آنها را پس‌گیرند. سرمایه‌داری واقعیت خطر ابتلاء به «کرونا» را، که نباید بی‌ضرر جلوه داد و عملاً بی‌توجهی حکومت‌ها را به جان مردم توجیه کرد، به فال نیک گرفت، مردم را به قرنطینه فراخواند تا در غیاب مردم در مشغول کردن آنها در خیابان‌ها، تنها با بحث «کرونا» و تلاش در حفظ جان خود، حق اعتصاب، آزادی بیان و تظاهرات و... را از آنها سلب کند. هم اکنون در ترکیه با استقرار حکومت نظامی مخالفان را دستگیر می‌کنند، تا به زندان‌هایی افکنند که تا دیروز ملو از بزهکاران، تبهکاران، متخلفان و محکوم‌شدگان جنحه و جنایت بود و فعلاً به برکت اعتقاد به «دموکراسی» آزاد شده‌اند.

در کلمبیا جوخه‌های مرگ دولت «دموکرات» کلمبیا، همدست امریکا و اروپا در دشمنی با مردم ونزوئلا به راه افتاد و نه تنها مخالفان را دستگیر و سرکوب، بلکه آنها را ترور می‌کند. در اسرائیل با استقرار حکومت نظامی و اجرای مقررات امنیتی و نه انتظامی، جان و مال ناموس فلسطینی‌ها را در دست می‌گیرند و ابتلای آنها به بیماری «کرونا» را تشدید می‌کنند، تا به خیال‌شان مسأله فلسطین را با نسل‌کشی حل کنند. تو گوئی نسل‌کشی خلق «Herero» در جنوب غربی افریقا توسط استعمارگران المانی، ارامنه توسط توسعه‌طلبان عثمانی و یا مردم یهود توسط نازی‌های المان، آپارتاید انگلیس در افریقای جنوبی و... فراموش شده است. هم اکنون دولت المان موقعیت را مناسب دیده است، تا «حزب‌الله لبنان» را، که در دولت لبنان رسماً حضور دارد و دارای میلیون‌ها هوادار در لبنان و سراسر جهان است، با استفاده از شرایط ورشکستگی لبنان و حضور «ویروس کرونا»، به عنوان «تروریست» اعلام کند و بعد از تصویب این قانون ارتجاعی و صهیونیستی - امپریالیستی فوراً به خانه‌فعالان این حرکت در المان شبانه حمله کردند و منابع مالی آنها را راهزنانه مصادره کردند، فعالان‌شان را به زندان انداختند و امکانات آنها را منهدم ساختند. قرنطینه در المان، نابسامانی در لبنان، ورشکستگی دولت لبنان و مستعمره‌گشتن آنها توسط صندوق بین‌المللی پول، سرکوب نفوذ ایران در لبنان و... همگی به پاس همین «ویروس کرونا» انجام گرفت که حتی دست حزب کار ایران (توفان) را در بیان واقعیات می‌بندد. ما را تهدید به ممنوعیت می‌کنند، ولی نه تنها دست صهیونیست‌های ایرانی و مزدوران و جاسوسان را بازگذارده‌اند، بلکه کلیه امکانات مالی و تبلیغاتی را نیز در اختیارشان می‌گذارند. دولت‌ها برای کنترل طبقه کارگر قوانین ظالمانه و ارتجاعی تصویب می‌کنند، شرایط اضطراری به آن می‌بندند، ولی بعد از تغییر شرایط هرگز حاضر نیستند این قوانین را در تمامیت خویش پس بگیرند.

در تلویزیون المان از «Olaf Scholz»، وزیر دارایی و معاون صدراعظم المان پرسیدند که آیا بعد از «کرونا» وضع به صورت سابق بر خواهد گشت و این قوانین پس گرفته خواهد شد؟ وی این نظر را تأیید کرد و وقتی خبرنگاران مجدداً از وی پرسیدند چه کسی این امر را تضمین می‌کند؟ با صدای بلند و قدرتمند و با سینه سپر کرده گفت: «من قول می‌دهم» و با این ترتیب این نمایش مضحک با وعده جناب Scholz، که پیش‌بازی ارزش ندارد، به پایان رسید.

بعد از «کرونا» مسلماً قدرت دولتی در ممالک امپریالیستی تقویت می‌شود و این اقتدار آنها، که به بهانه شرایط اضطراری توجیه می‌گردد، در خدمت دموکراسی و حمایت از زحمتکشان نیست، برای ایجاد شرایطی است که بتوانند

با سرکوب و تجاوز به دست‌آوردها و حقوق زحمتکشان دستبرد بزنند و آن را به کام سرمایه‌های خصوصی بریزند. طبیعتاً شعار کمونیست‌ها در این زمینه نه تنها مبارزه برای حمایت از دست‌آوردهای طبقه کارگر خواهد بود، بلکه باید با طرح شعارهای راهکاری قابل فهم، نظیر این که شکل کمک دولت در شرایط مشخص کنونی، باید خرید بخشی از کارخانه‌های در حال سقوط، سهام‌دارشدن در کارخانه‌ها و خرید کل کارخانه باشد و نه یاری رایگان به سرمایه‌داران برای نجات آنها از بحران. صنایع مورد تهدید و صدمه‌دیده باید همه دولتی شوند. این خواست، مقبولیت عمومی دارد و دست دولت‌های سرمایه‌داری را، که در زمان نجات بانک‌ها در بحران ۲۰۰۸ آبروی خود را بر باد دادند، بیشتر رو می‌کند و زمینه مبارزه طبقاتی مهمی را که از حمایت عمومی برخوردار است، فراهم می‌آورد. طبیعتاً در هر جا که امکان اشغال کارخانه‌ها و راه‌انداختن چرخ تولید به دست طبقه کارگر وجود داشته باشد، نمی‌شود از این امکان نیز صرف‌نظر کرد. نوع راهکاری که کمونیست‌ها انتخاب می‌کنند، به سطح و درجه رشد مبارزه طبقه کارگر و آمادگی و فداکاری آنها مربوط می‌شود.

در مقابل این دسیسه حاکمیت، زحمتکشان و فرودستان جامعه به روش‌های جدید مبارزه در تمام ممالک قرنطینه شده دست زدند. اظهار شادی مردم و پزشکان در مبارزه مشترک به ضد خطر بیماری کرونا به ایجاد یک حس همدردی و یگانگی میان مردم و به ضد حاکمیت بی‌عمل و همدست نئولیبرال‌ها بدل شده است. کف‌زدن و تشویق مردم از زحمتکشان به عنوان اهرم‌های جامعه به خاطر برپائی زندگی اقتصادی و اجتماعی، تشویق نسبت به این انسان‌های ارزشمند، احترام به پرستارانی که در اکثریت خود خارجی و وارداتی و برده‌های مدرن و مهم نظام بهداشتی هستند، سرود خواندن مردم در ایتالیا و اسپانیا به ضد فاشیست‌ها - سرود مشهور و جاودانی پارتیزان‌های ایتالیا «Bella Ciao» همه و همه نشانه آن است که در این شرایط استثنائی کمونیست‌ها نیز راهکارها و راه‌های مبارزاتی نوین خویش را می‌یابند.

باید مبارزه خیابانی را با مبارزه در فضای مجازی تکمیل کرد، پرولتاریا نیز باید این شیوه مبارزه را بیاموزد و در آن فعال شود و این بدون حزب طبقه کارگر، که رهبری عمومی مبارزه را داشته باشد، مقدور، مفید و مؤثر نخواهد بود. پرولتاریای متشکل و آگاه باید در عین اهمیت قایل‌شدن به حفظ جان انقلابیون و کل طبقه کارگر، مبارزه خویش را در این شکل کنونی و در اشکال متناسب و مؤثر دیگر در آینده به پیش برد. همبستگی مردمی خار چشم طبقات حاکمه است. بورژوازی از این وحدت میان کارگران، زحمتکشان، اهرم‌های برپائی جامعه، که به قدرت خود پی‌می‌برند، ائتلاف با هنرمندان و نوع‌دوستان به شدت هراسان است. پرولتاریا و زحمتکشان را به فقر و بیکاری و فلاکت تهدید می‌کند در حالی که میلیاردها یورو و دالر به جیب سرمایه‌داران واریز می‌شود. فضای عمومی به نفع سرمایه‌داران نیست. تضادها به شدت در عرصه درون و بیرون تشدید می‌شوند و افق مبارزه روشن‌تر از گذشته است. فراموش نکنیم که برای پیروزی در این مبارزه، برای این که آلت دست آنارشیبست‌ها، چپ‌نماها، شورائی‌ها، ضدکارگران و خرده بورژوائی سراسیمه نگردیم، به حزب طبقه کارگر به عنوان ستاد فرماندهی این مبارزه انقلابی نیاز داریم. بدون رهبری پرولتاریا از طریق حزبش امکان پیروزی در این مبارزه وجود ندارد.

[برگرفته از توفان شماره ۲۴۳ خرداد ماه \[چوزا\] ۱۳۹۹ مه ۲۰۲۰](#)

[ارگان مرکزی حزب کار ایران \(توفان\)](#)

[صفحه حزب کار ایران \(توفان\) در شبکه جهانی اینترنت](#)

www.toufan.org